

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)

سال پنجم، شماره (۱۷)، بهار ۱۳۹۵

پیامدهای قدرت گرفتن احزاب راست بر وضعیت مسلمانان اروپا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: مطالعه موردی کشورهای آلمان، فرانسه و هلند

علی صباغیان

سمیه ترابی*

چکیده

حضور مسلمانان در کشورهای اروپایی و گسترش جمعیت مسلمانان در زندگی اجتماعی و جنبه‌های مذهبی و فرهنگی اروپا تأثیر بسیاری دارد. اروپاییان به شکل‌های گوناگون درصدد ایجاد مانع برای گسترش اسلام هستند. با قدرت گرفتن جریان‌های راست افراطی در اروپا، در پی وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جهان اسلام، بیش‌ترین ضربه را از حادثه مزبور دیده است و راست‌گرایان اقدامات زیادی در جهت محدودسازی مسلمانان صورت داده‌اند. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش‌هاست که چه عللی باعث قدرت گرفتن احزاب راست‌گرا شده است؟ قدرت گرفتن احزاب راست در کشورهای فرانسه، آلمان و هلند پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چه تأثیری بر وضعیت زندگی اجتماعی مسلمانان ساکن در این کشورها داشته است؟ بررسی‌های انجام‌شده در مقاله نشان می‌دهد که قدرت گرفتن احزاب راست‌گرا موجب اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری نسبت به مسلمانان ساکن در این کشورها شده، مسلمانان روزه‌روز با محدودیت‌های بیشتری مواجه می‌شوند.

واژگان کلیدی: احزاب راست، مسلمانان، اروپا غربی، آلمان، فرانسه، هلند.

* استادیار مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

کارشناس ارشد مطالعات اروپا، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱/۱۶

نویسنده عهده‌دار مکاتبات: somayyetorabi@yahoo.com

مقدمه

تعداد جمعیت مسلمانان در جهان حدود ۱,۶ میلیارد نفر است درحالی‌که ۲,۱ میلیارد نفر مسیحی در جهان زندگی می‌کنند و نرخ رشد جمعیت مسلمانان از مسیحیان بیشتر است. (یزدان پناه، ۱۳۹۱:۱۳۸) آماری که طبق گزارش سالانه وزارت امور خارجه امریکا در مورد آزادی مذهبی در سال ۲۰۰۴ منتشر شد بیانگر این است که بیش از ۲۳ میلیون مسلمان در اروپا وجود داشته است. (شیرغلامی، ۱۳۸۸:۳۰۰) این مسلمانان در قالب شهروند و مهاجر، در این کشورها حضور دارند و با توجه به نرخ رشد بالای جمعیت در میان مسلمانان، تعدادشان رو به فزونی دارد. از دیدگاه برخی کشورهای اروپایی، حضور این جمعیت مسلمان به دلیل برخورداری از فرهنگ و باور غیراروپایی خود نوعی چالش تلقی می‌شود و نگاهی تبعیض‌آمیز نسبت به این مسلمانان در این کشورها رواج دارد. وجود این نگاه تبعیض‌آمیز عمدتاً به هویت اسلامی این جمعیت مربوط می‌شود. این مسلمانان که از ملیت‌ها، پیشینه اجتماعی و سطوح اقتصادی متفاوتی برخوردار می‌باشند، به این جهت توانسته‌اند در کشورهای اروپایی خود را به عنوان اجتماعی متمایز مطرح کنند که همگی با توسل به اسلام و فرهنگ‌های بومی هویت پیدا کرده‌اند.

در کشورهای اروپایی، در خلال سال‌های گذشته، جدال پرسروصدایی بین جامعه سکولار اروپا و جمعیت مسلمانان معتقد به وجود آمده است. این جدال به شکلی است که در مارس ۲۰۰۴ قانون منع شعائر مذهبی به تصویب رسید و متعاقب آن، استفاده از حجاب اسلامی در مدارس ممنوع شد.

برنارد لوئیس، اسلام‌شناس پرآوازه انگلیسی‌تبار امریکایی، بیان می‌کند که اروپا باید اقدامی جدی در مقابل شمار روزافزون مهاجران مسلمان از خود نشان دهد، زیرا در غیر این صورت، تا پایان قرن، اروپا به شکل اروپای اسلامی در خواهد آمد. (رضوان‌طلب، ۱۳۸۵:۳۴)

طی سال‌های اخیر با توجه به قدرت‌گیری احزاب راست‌گرا در اروپا شاهد انواع مختلف حذف اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فیزیکی در این کشورها بوده‌ایم. حذف کردن این اشکال از متن جامعه تا حد زیادی مسئول تولید شرایط محرومیت جدی جمعیت مسلمان در اروپا محسوب می‌شود. احزاب راست‌گرا که به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر همچنین از احساس ترس و آسیب‌پذیری حاصل از حملات تروریستی در بخش‌های مختلف جهان بهره بردند، مسلمانان را به عنوان تهدیدی علیه امنیت و ارزش‌های کشورهای اتحادیه اروپا تصویر کرده‌اند. موج راست‌گرایی مسیحی، نظم سیاسی را در اروپا تحت تأثیر قرار داد و برخی احزاب راست‌گرا در پارلمان‌ها راه یافته و برخی حتی پست‌هایی در کابینه دولت به دست آوردند که کشورشان را ملزم به اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه در قبال تغییرات فرهنگی می‌کنند.

با توجه به گسترش گرایش‌های اسلام‌ستیزانه به‌ویژه در اروپا و با عنایت به ظرفیت این موضوع برای جذب آرای بخشی از رأی‌دهندگان، سیاست‌مداران اروپایی برای جلب نظر این دسته از رأی‌دهندگان گوی سبقت را از هم می‌ربایند. به‌ویژه که در سال‌های اخیر احزاب راست افراطی اروپا که نقطه مشترک همه آن‌ها در مخالفت با مسلمانان مهاجر است موفقیت‌هایی در انتخابات پارلمانی به دست آورده‌اند و این احزاب که زمانی بروز آن‌ها تنها در کشورهایی مانند فرانسه ملموس بود اکنون به احزابی دارای کرسی و صاحب‌نفوذ در کشورهای چون سوئد، هلند، انگلیس و دانمارک تبدیل شده‌اند. به بیان دیگر، گفتمان ضداسلامی اکنون خود را در سطح رسمی تثبیت نموده و در مجامع رسمی صاحب صدا شده است. (شیر غلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۱۰). پرسش‌هایی که این مقاله در پی پاسخ به آن هست عبارتند: چه عواملی باعث قدرت گرفتن احزاب راست‌گرا شده است؟ قدرت گرفتن احزاب راست در کشورهای فرانسه، آلمان و هلند پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چه تأثیری بر وضعیت زندگی اجتماعی مسلمانان ساکن در این کشورها داشته است؟ پاسخ موقت آن است که قدرت گرفتن احزاب راست‌گرا موجب اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری نسبت به مسلمانان ساکن در این کشورها شده و محدودیت‌های بیشتری نسبت به قبل برای زندگی اجتماعی - و سیاسی آن‌ها به وجود آورده است. روش تحقیق مورد استفاده این پژوهش روش توصیفی و تحلیلی است و سعی بر این است در بخش اول پیشینه و ضرورت انجام تحقیق مورد بحث قرار گیرد و در بخش دوم چهارچوب نظری مقاله که نظریه شکاف‌های اجتماعی است، تبیین شود، در بخش سوم مسئله مهاجرت مسلمانان به اروپا بررسی خواهد شد و در بخش چهارم عوامل مؤثر بر قدرت گرفتن احزاب راست پرداخته خواهد شد. در بخش‌های پنجم و ششم و هفتم پیامدهای قدرت گرفتن احزاب راست در آلمان، فرانسه و هلند بر وضعیت مسلمانان این کشورها مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۱. پیشینه و ضرورت انجام تحقیق

در مورد موضوع مسلمانان در اروپا مقالات متعددی نگاشته شده است که هر کدام موضوع خاصی را پر اهمیت تر جلوه داده است که از آن جمله می‌توان به مقاله هویت، مهاجرت و منشور جدید اروپا نوشته الویور و دیگران اشاره کرد که به موضوع ناامنی قومی، مذهبی در اروپا پرداخته است. از نظر نویسندگان ناامنی‌های قومی و ملی و مذهبی در مقایسه با دیگر صور ناامنی بر اقتدار ملی در اروپا اهمیت فراوانی یافته است. در دیگر بخش‌های این مقاله رویکردهای امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و محیطی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. از جمله مقالات دیگر در این مورد اسلام و مسلمانان در اروپا و حادثه اخیر در آلمان نوشته خلیل شیرغلامی است که نویسنده در راستای بررسی وضعیت سیاسی اجتماعی و سیاسی مسلمانان به تاریخچه این حضور پرداخته و بعد از ارائه وضعیت آماری مسلمانان ضمن بررسی الگوهای

متفاوت تعامل با مسلمانان در اروپا به ارزیابی وضعیت اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اروپا پرداخته است.

کتاب مهاجران مسلمان و چالش‌های آینده اروپای متحد، نوشته محمدمهدی مختاری که در سال ۱۳۸۸ منتشر شده؛ نویسنده این کتاب سعی کرده است به‌طور ریشه‌ای به واکاوی علل و انگیزه‌های سیاسی اجتماعی مهاجرت به اروپا بپردازد و سود و زیان‌هایی که مهاجرت‌ها برای اروپایی‌ها خواهد داشت را مورد بررسی قرار دهد. همچنین پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات کتاب «تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر» را که ترجمه گزارش فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلسنکی است را در ۲۷۹ صفحه منتشر کرده است. این گزارش نشان می‌دهد که در فضای تبلیغاتی به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر علیه اسلام و مسلمانان تنها مسلمانان رادیکال هدف قرار نمی‌گیرند، بلکه تمامیت اسلام و همه مسلمانان هدف حمله اسلام‌هراسی قرار دارند. زنان محجبه‌ای که بنا به وظیفه دینی و شرعی خود روسری به سر می‌کنند و هیچ نسبتی با رادیکالیسم ندارند تحقیر توهین و تهدید می‌شوند و به آن‌ها حمله می‌شود. رسانه‌ها اسلام را مقصر می‌شمارند و افکار عمومی را علیه مسلمانان تهییج می‌کنند مقاله دیگر هویت اسلامی مهاجرین و امنیت فرهنگی اروپاییان از محمد یزدان پناه و دیگران است که نویسنده در این مقاله سعی دارد با بررسی مفهوم جهانی‌شدن و تأثیرات آن بر واگرایی فرهنگی پیامدها و چالش‌های مهاجرت مسلمانان به اروپا بر اساس مفهوم امنیت فرهنگی به بررسی و ارائه راهکار مناسب برای چالش‌ها در کوتاه مدت بپردازد. مقاله دیگری که در این رابطه می‌توان به آن اشاره کرد، وضعیت مسلمانان اروپا و چالش‌های فرارو و چشم‌انداز آینده از محمد قربان پور هست که نویسنده بعد از ارائه تصویری کلی از مسلمانان در اروپا به وضعیت کلی سیاسی اجتماعی مسلمانان در اروپا می‌پردازد.

با توجه به روابط تاریخی و کنونی ایران با اروپا و اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان جهان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان است و از نظر اسلام همه مسلمانان یک امت محسوب می‌شوند دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست عملی خود را بر پایه ائتلاف و همچنین اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. از طرفی به دلیل آنکه در دهه‌های اخیر برخی کشورهای اروپایی و در رأس آن‌ها راست‌گرایان محدودیت‌هایی برای مسلمانان وضع نموده‌اند؛ بنابراین، بررسی وضعیت زندگی سیاسی اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی آنان ضروری است.

چالش‌ها و تهدیدهای فراروی مسلمانان در اروپا موجب می‌شود که نگران وضعیت مسلمانان در غرب باشیم و باید چاره‌ای بیندیشیم. در این راه از یک سو باید به دیپلماسی عمومی برای مقابله با اسلام‌هراسی فکر کرد و از طرفی دیگر، هر مسلمانی باید با اسلام‌هراسی و این

وضعیت مقابله کند و به دفاع از حقوق مسلمانان در غرب بپردازد. جدا از این، هرگونه پیروزی گروه‌های راست افراطی و تند، می‌تواند شرایط را برای مسلمانان سخت‌تر کند. مسلمانان این قاره باید منسجم شوند و در عرصه‌های سیاسی وارد شوند. تعداد مسلمانان در این قاره به اندازه‌ای است که اگر بخواهند به نفع حزبی و گروهی رأی دهند، امکان پیروزی این گروه و حزب را بیشتر می‌کند؛ بنابراین، در صورت تحقق این امر، احزاب موجود برای جذب مسلمانان تلاش خواهند کرد و این موجب می‌شود تا بر شعارها یا محورهایی شامل حقوق مسلمانان توجه کنند.

۲. چهارچوب نظری: شکاف‌های اجتماعی و تغییرات در شکاف‌بندی‌ها

در این پژوهش سعی بر این است که از نظریه شکاف‌های اجتماعی برای تبیین موضوع استفاده شود. در جوامع مختلف تقاضاها، خواست‌ها و توقعات نامحدودی وجود دارد. تخصیص منابع توسط هر گروه یا سازمانی انجام شود، معمولاً پرسش‌هایی را درباره مساوات و عدالت برخواهد انگیزت و گروه‌های منفعتی را وادار به اتخاذ مواضع مختلف خواهد نمود. وظیفه یک سیستم سیاسی، یافتن سازوکارهایی برای حل این برخوردها و کاهش تنش‌ها است، اما این امر همیشه به راحتی انجام نمی‌پذیرد. وجوه افتراق در جامعه می‌تواند بر اساس موضوعات مادی یا معنوی موجود به وجود آمده و سبب تقسیم اعضا به زیرگروه‌هایی شود که در مسائل سیاسی و اجتماعی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. (نیکنامی، ۱۳۹۳: ۲۲۳) شکاف یا گسست، به هر تضاد و ستیزی اطلاق نمی‌شود. آن دسته از تعارضات که ریشه در بطن جامعه دارند و به تعبیر روکان «ساختاری» بوده و در جامعه نهادینه می‌شوند، شکاف نامیده می‌شوند. روکان از نظریه پردازان شکاف‌های اجتماعی بر این باور است که شکاف‌های اساسی موجود در جامعه، نوع مطالبات و شیوه بیان آن‌ها را تعیین می‌کند و تأثیر شگرفی بر گفتمان‌های اصلی حاکم بر هر جامعه دارد. (بشیریه، ۱۳۷۸: ۹۹) شکاف‌های اجتماعی به تعارضات طبقاتی، جنسیتی، نسلی، مکانی (شهر و روستا)، سنت و تجدد، قومیتی، زبانی و غیره گفته می‌شوند که پیرامون آن‌ها نیروهای اجتماعی، احزاب، انجمن‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی فعال می‌شوند و به رقابت و مشارکت سیاسی می‌پردازند. (Zielinski, 2002: 194)

لیپست و روکان سیر تحول شکاف‌های اجتماعی در کشورهای غربی را از هنگام پیدایش ساختار مدرن ملت - کشور بررسی کرده‌اند. آن‌ها چهار زیر سیستم اقتصاد (A)، نظام حکومتی (G)، ملت (I) و خانوار (L) را برای تهیه مدل خود به کار گرفته‌اند. برای نشان دادن ساختار شکاف، آن‌ها به تفاوت‌های داخلی در درون این چهار ضلعی توجه کرده‌اند و به پیدایش ساختار شکاف دو قطبی در غرب پی بردند. از نظر آنان بعد سرزمینی شکاف‌ها در اثر برخورد ضلع G و L و بعد کارکردی شکاف‌ها در اثر برخورد دو ضلع A و I پدیدار می‌شود. به نظر

لیپست و رکان نهادینه شدن این شکاف‌ها به تشکیل احزاب انجامید. با این حال در نظریه آن‌ها نحوه دگرگونی یافتن این شکاف‌ها یا ستیزش‌ها به شکل احزاب کاملاً روشن نشده است. (دلیرپور، ۱۳۹۰: ۸۶) شکاف اجتماعی عملاً موجب تقسیم و تجزیه جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌هایی می‌شود و این گروه‌بندی‌ها ممکن است شکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پیدا کنند. (بشیریه، ۱۳۸۰: ۹۹)

لیپست و رکان مفهوم شکاف‌های اجتماعی را برای کشف ریشه‌های کشمکش سیاسی و نظام‌های حزبی در جوامع اروپایی به کار برده‌اند. (داوودی، ۱۳۸۱: ۲۲۵) ورنون نیز از دیگر نظریه‌پردازان، شکاف‌های اجتماعی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: الف) شکاف‌های مرتبط با ساختار اجتماعی که بیانگر ناسازگاری در منافع اقتصادی و اجتماعی گروه‌های مختلف اجتماعی هستند، مانند شکاف‌های طبقاتی؛ ب) شکاف‌های صفتی که بیانگر تفاوت‌ها و ناسازگاری‌های مرتبط با هویت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی گروه‌ها می‌باشند، مانند شکاف‌های نژادی، قومی و جنسیتی؛ ج) شکاف‌های رفتاری که بیانگر ناسازگاری در الگوی رفتار اجتماعی و سیاسی در میان افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی هستند؛ د) شکاف‌های ایستاری که بیانگر ناسازگاری در ایدئولوژی‌ها و عقاید گروه‌های مختلف اجتماعی هستند، مانند شکاف‌های ارزشی و ایدئولوژیک. (داوودی، ۱۳۸۱: ۲۲۵) شکاف‌های ایدئولوژیک عبارت‌اند از ترجیحات فرد یعنی ارزش‌ها و جهان‌بینی او این ترجیحات ممکن است با موقعیت فرد در ساخت اجتماعی متناظر نباشد خواه این موقعیت‌ها انتسابی باشد خواه اکتسابی. (بشیریه، ۱۳۸۰: ۶۲)

شکاف اجتماعی را می‌توان انشعاب اجتماعی تعریف کرد که خطوط اصلی تعارض در جامعه را مشخص می‌کند و نتیجه آن شکل‌گیری گروه‌هایی با هویت و ارزش‌های ویژه آن است که مجموعه‌ای از کنش‌گران سازمانی و نهادی مانند جنبش‌های اجتماعی و احزاب سیاسی برای آگاهی بخشی درباره آن‌ها فعالیت و اقدام می‌کنند. شکاف‌های اجتماعی به لحاظ میزان تأثیرگذاری بر زندگی سیاسی به فعال و غیرفعال تقسیم می‌شود. شکاف‌های اجتماعی فعال به شکاف‌هایی گفته می‌شود که بر پایه آن‌ها آگاهی، سازمان‌دهی و عمل سیاسی صورت گیرد. برخی از شکاف‌ها ممکن است در مقطعی فعال و در مقطعی غیرفعال شوند و بر عکس. نحوه گذار از وضعیت شکاف غیرفعال به وضعیت شکاف فعال متضمن فرآیندهای پیچیده‌ای است که معمولاً از آن در مبحث بسیج اجتماعی بحث می‌شود. (بشیریه، ۱۳۷۸: ۹۹) به نظر می‌رسد در بین انواع شکاف‌های اجتماعی، شکاف ایدئولوژیک بین مسلمانان اروپا و دیگر معتقدان اروپایی نیز پررنگ جلوه می‌کند، در این نوع شکاف‌ها در واقع هر چه مسلمانان بیدارتر شده و نسبت به رسوم و باورهای دینی و مراسم مذهبی خود پابندی بیشتری پیدا کرده‌اند، غربی‌ها و احزاب راست اروپایی نسبت به مسلمانان سختگیرتر شده‌اند. چنانچه می‌توان از فرانسه به

عنوان یکی از سختگیرترین این کشورها نام برد که حتی دانش‌آموزان را به دلیل رعایت حجاب اسلامی از تحصیل محروم می‌کند و جرائمی را برای داشتن حجاب قرار می‌دهد. (قربان پور، ۱۳۹۳: ۱۱۰) مهم‌ترین تأثیر ۱۱ سپتامبر، دامن زدن به شکاف‌های مذهبی اروپا بوده است. باید گفت هر چه در این میان آگاهی مذهبی بیشتر باشد، امکان بروز شکاف مذهبی نیز افزایش می‌یابد. نکته مهم دیگر آن است که گرایش‌های مختلف مذهبی باعث تأثیرگذاری بر روند سیاسی مسائل کشورهای اروپای غربی شده و احزاب و گروه‌هایی در رابطه با هر یک از این گرایش‌ها شکل گرفته‌اند. (نیکنامی، ۱۳۹۳: ۲۳۶)

به نظر می‌رسد در رابطه با شکاف بین مسلمانان و غیرمسلمانان اروپای غربی بتوان هر چهار نوع شکاف ذکر شده توسط ورنون (در مورد انواع شکاف‌های اجتماعی) را مشاهده کرد. شکاف‌های اجتماعی موجود در دسترسی به منابع اقتصادی و اجتماعی، شکاف هویتی موجود بین مسلمانان و غیرمسلمانان، شکاف و ناسازگاری در رفتارها و شکاف ایستاری و ایدئولوژیک، هر یک به نوعی کم‌بیش خود را نمایان می‌کنند، اما به نظر می‌رسد چیزی که در حال حاضر برای راست‌گرایان و غیرمسلمانان بسیار پررنگ‌تر جلوه می‌کند شکاف‌های مربوط به تفاوت هویتی و ایدئولوژیکی بین مسلمانان و آنان باشد، تا جایی که یکی از اهرم‌های مورد استفاده این احزاب در انتخابات و جذب آرا، استفاده از احساسات ضد مهاجرتی مردم و اشاره به تفاوت‌های هویتی و ایدئولوژیکی مسلمانان است. آنان با استفاده از این موضوع به راحتی توانسته‌اند در سال‌های اخیر قدرت بیشتری کسب کرده و همین امر به صورت دوری باعث ایجاد محدودیت‌ها و شکاف‌های بیشتری بین آنان و مسلمانان می‌شود.

۳. مهاجرت مسلمانان به اروپا

تاریخ حضور مسلمانان در قاره اروپا، به سال‌های بسیار دور، یعنی دوره‌های اولیه اسلام، بازمی‌گردد. بازرگانان مسلمان و نمایندگان سیاسی، یکی از عوامل مهم گسترش اسلام در سراسر جهان و از جمله قاره اروپا بوده‌اند. (نیلسن، ۱۳۷۲: ۲۰) در قرون ۱۶ تا ۲۰ امپراتوری عثمانی ضمن تسخیر بیژانس که مرکز دینی مسیحیت شرقی محسوب می‌شد. جوامع مسیحی متعددی را به کنترل خود درآورد و همسایه جوامع مسیحی اروپای مرکزی شدند. مجموعه این وقایع تاریخی زمینه بهره‌برداری را برای جریان‌های ضد اسلامی فراهم آورده است. اندیشه حاکم بر جنگ صلیبی، همواره اسلام (و مسلمانان) را دشمن خود معرفی کرده است. در برخی از این جوامع گروه‌هایی مبنای هویت خود و ریشه‌های روایت خود از هویت ملی را در مقابل مسلمانان قرار داده‌اند و اسطوره‌ها و قهرمانان ملی و فرهنگی خود را از رهبران و کشته‌شدگان در مقابل مسلمانان قرار داده‌اند. (امینیان، ۱۳۸۷: ۵۶) بیشتر مهاجرت‌ها به اروپا از جنگ جهانی دوم به بعد صورت گرفته است که بیش‌ترین مهاجرت از سوی مردان مجردی صورت

می‌گرفت که هدفشان کار موقت در اروپا و سرمایه‌گذاری درآمد حاصله در موطنشان بود. (ورتووک، ۱۳۸۰: ۴۷)

در این میان احزاب پوپولیستی در سال‌های اخیر در برخی کشورهای اروپایی در دولت‌های ائتلافی شرکت نموده یا به نیروی سیاسی مؤثری بدل شده‌اند. قدرت‌نمایی احزاب مزبور گرچه به پدیده مهاجرت نسبت داده می‌شود، اما نشانه بحران ژرف‌تری در سیاست اروپایی است. به سخنی دیگر، پوپولیسم حاصل گسست شکنندگی پیوندهای اجتماعی، بی‌اعتمادی به هویت ملی و خاطره تاریخی و نشانه بحران هویت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در برخی از کشورهای اروپایی است. (adrian & favel, 2005: 111) از اوایل دهه ۱۹۹۰ نیز مهاجرت از کشورهای مسلمان‌نشین به کشورهای اروپایی را می‌توان، به شرح زیر مشخص نمود:

۱) در شمال اروپا، مهاجرین مسلمان که عمده آن‌ها به‌طور قانونی و از طریق فرصت‌های شغلی یا پناهندگی و یا به واسطه جنگ‌های داخلی و ناآرامی‌های مرزهای اروپا و یا به دلیل فشار اقتصادی، اقدام به مهاجرت و ورود به این مناطق نموده‌اند.

۲) در جنوب اروپا، عمده مهاجران مسلمان از طریق گروه‌های قاچاق انسان، عمدتاً به‌طور قانونی یا هر نحو ممکن سعی و تلاش نموده و خود را به این مناطق رسانده‌اند در مجموع تاریخی و الگوی مهاجرت مسلمانان به اروپا متفاوت و گوناگون است که بیانگر طیف گسترده‌ای از فرهنگ‌ها و کشورهای مبدأ و همچنین تأثیر فشار و عوامل مؤثر با متعدد و مختلف بر تصمیم‌گیری افراد جهت مهاجرت است. (EUMC, 2006: 23)

از طرفی با توجه به رشد شتابنده جمعیت مسلمانان در جوامع غربی که کاملاً متمایز از افزایش جمعیت سایر هویت‌های دینی و نیز سکنه بومی در این جوامع است، رفته‌رفته موجب شده است تا دول جوامع اروپایی، وضعیت هشداردهنده‌ای را فراروی خود مشاهده نمایند. در این میان احزابی رشد کرده‌اند که توانسته‌اند با استفاده از شکاف موجود در هویت و نوع رفتار و ایدئولوژی بین خود و مسلمانان، مردم را نسبت به مهاجرین و مسلمانان کشورشان بدبین کرده و آن‌ها را یکی از مسبب‌های اصلی بیکاری و معضلات فرهنگی خود نشان دهند. با عنایت به اینکه احساسات ضد مهاجران که در بسیاری از کشورهای اروپایی که به نوعی با مسائل و مباحث همگرایی فرهنگی و تنوع جمعیتی مواجه هستند، وجود دارد. این مسئله توانسته کشورهای اروپایی را به سمت و سوی اسلام‌هراسی سوق دهد، زیرا در سال‌های اخیر بیشتر شعارهای احزاب راست، مسلمانان مهاجر را مورد هدف قرار داده است.

۴. عوامل مؤثر بر قدرت گرفتن احزاب راست

بروز بحران‌های اقتصادی مقطعی در اروپا و شکست الگوهای همگرایی اجتماعی و فرهنگی و پیدایی احزاب پوپولیست در بسیاری از کشورهای اروپایی به تعمیق فضای بیگانه‌سازانه،

حاشیه‌نشینی و بدگمانی نسبت به مهاجران در این کشورها مدد رسانده است، به طوری که مشاهده می‌کنیم در سال‌های اخیر احزاب راست‌گرا توانستند در انتخابات برخی کشورها از جمله فرانسه و هلند موفقیت‌های چشمگیری را کسب کنند. احزاب دست راستی با استفاده از شعارهای ایجاد رفاه اقتصادی و تلفیق آن‌ها با ملی‌گرایی توانستند جایگاه قابل توجهی را در ساختار سیاسی کشورهای اروپایی به دست آورند. به جز پارلمان‌های ملی، در پارلمان اروپا نیز گرایش به احزاب عوام‌گرای دست راستی محسوس است. در انتخابات اتحادیه اروپا که در سال ۲۰۰۹ برگزار شد، گروه‌های راست‌گرای تندرو و گروه‌هایی که دشمن خارجی‌هایند موفق به دریافت کرسی‌هایی شدند. در ارتباط با ریشه‌های پیدایش این احزاب، جامعه‌شناسان و دانشمندان سیاسی کم و بیش پاسخ‌های مشابه و بعضاً متفاوتی ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۴-۱. گسترش جهانی شدن اقتصادی

جهانی شدن نتایجی همچون مهاجرت فزاینده بیکاری و کاهش استانداردهای زندگی را برای کارگران و طبقات پایین در کشورهای پیشرفته غرب به ارمغان آورده است. این امر به شکل شکاف‌های جدید اقتصادی اجتماعی در کشورهای صنعتی غرب انجامید. در این بستر جدید این احزاب شکل گرفته‌اند و در پوی‌های رقابت سیاسی و انتخاباتی درگیر شده‌اند تا از این رهگذر به قدرت رسیده یا بر تصمیمات حکومت تأثیرگذار باشند. (سردار نیا، ۱۳۸۶: ۱۹۴)

گروه‌های راست افراطی در اروپا از جمله حزب جبهه ملی در فرانسه و حزب آزادی در هلند از یک طرف نسبت به برداشته شدن مرزها و تعیین پول واحد به شدت انتقاد دارند و مخالف حضور کشورهایشان در حوزه یورو هستند، از طرف دیگر با عضویت کشورهایمانند ترکیه به این کلوپ مسیحی مخالف‌اند. مجموعه این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که راست افراطی اروپا علی‌رغم همه مشکلاتی که کشورهای اروپایی در گذشته داشته‌اند و علی‌رغم اشغال بسیاری از آن‌ها همانند فرانسه، نروژ، روسیه و غیره توسط نازی‌ها طی جنگ جهانی دوم حاضرند در یک ائتلاف بزرگ علیه آن چه خطر مهاجرت مسلمانان می‌نامند در یک صف واحد متحد شوند.

۴-۲. گسترش چندفرهنگی و تهدید هویت فرهنگی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر پیدایش احزاب جدید راست شکاف فرهنگی جوامع غربی با فرهنگ مهاجران است. برخی بر این باورند که یکی از تبعات جهانی شدن گسترش چند فرهنگی گسترش جرائم، ناامنی بر اثر مهاجرت خارجی‌ها به کشورهای صنعتی و دموکراتیک اروپای غربی بوده است. (سردار نیا، ۱۳۸۶: ۱۹۶-۱۹۷) در جوسازی پویشی مبارزه با

تروریسم، تلقی ناپسند خرده فرهنگ آشوب ساز از اسلام، هویت جویی مسلمانان اروپایی را در پی داشت. گرچه مسلمانان جوامع اروپایی به لحاظ نژادی، اقتصادی و مذهبی از سایر شهروندان اروپای غربی متمایز بودند، اما امواج اسلام‌هراسی این تفاوت‌های فرهنگی را به چالش هویتی مبدل کرده است، به طوری که نسل جدید مسلمانان اروپایی از نسل‌های قبلی متشرع‌تر و هویت طلب تر هستند. امروز نظام سیاسی مسلط اروپایی در اثر حضور مسلمانان در اروپای غربی از چالش‌ها و شکاف‌هایی چون شکاف (مرکز - حاشیه)، (ما - دیگری)، (اسلام، سکولاریسم)، (نژاد اروپایی و نژاد غیراروپایی) و (جمعیت پیر و جمعیت جوان)... رنج می‌برد. (صادقی، ۱۳۹۱: ۱۲) در دهه‌های اخیر افزایش وزن جمعیتی مسلمانان در جوامع اروپای غربی، اذهان را متوجه تمایزهای فرهنگی - هویتی آن‌ها از سایر شهروندان این جوامع، نموده است. گرچه این روند به‌طور مستمر ادامه داشته، اما وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و حوادث بعد از آن بر اهمیت موضوع افزوده است و به‌گونه‌ای تمایزهای فرهنگی مسلمانان اروپایی را به انفکاک هویتی سوق داده است.

۳-۴. کاهش اقدامات رفاهی

در چند دهه اخیر شکاف‌های اجتماعی اقتصادی جدید بین کارگران بومی و خارجی اهمیت یافته است. مارتین لیپست^۱ بر این نظر است که شکاف‌های جدید در غرب موجب شده کارگران غیرماهر و نیمه‌ماهر بومی مانند گذشته به احزاب چپ رأی نداده و تمایل آنان به این احزاب کمتر شده است. (سردار نیا، ۱۳۸۶: ۱۹۶) در ارتباط با اهمیت شکاف اقتصادی اجتماعی جدید در پیدایش این احزاب درک این مطلب ضرورت دارد که لوین^۲ رهبر حزب جبهه ملی در فرانسه مدعی است جزئی از مردم است که در خانواده کارگری زاده شده و می‌تواند نیازهای افراد عادی جامعه را دریابد. وی در تبلیغات حزبی به شدت بر سیاست‌های مهاجرتی و افکار نخبه‌گرایانه حمله کرده و بر مردم‌گرایی، ارتقای سطح زندگی کارگران و مردم عادی تأکید نموده است. وی در انتخابات ۱۹۹۵ از حمایت بخش گسترده‌ای از کارگران و یقه آبی‌ها و در انتخابات ۲۰۰۲ از حمایت روستاییان و کشاورزان برخوردار بود. (سردار نیا، ۱۳۸۶: ۲۰۲)

اروپاییان که می‌بینند مزایای شغلی‌شان کم شده است و دیگر نمی‌توانند از مزایای شغلی خوبی بهره‌مند شوند به راحتی به سمت راست‌گرایان روی می‌آورند و آنان مهاجران را عامل این نابسامانی می‌دانند.

1. Lipstadt
2. LE PEN

۴-۴. کاهش یا بی‌اعتمادی عمومی به احزاب اصلی و نهادهای سیاسی در کشور مربوط

با توجه به بحران اقتصادی که در حال حاضر در برخی کشورهای اروپایی وجود دارد، سیاست‌های ریاضتی، کاهش قدرت خرید، افزایش بیکاری و در مجموع شرایطی که ایجاد شده باعث بی‌اعتمادی مردم به نخبگان سیاسی شده و بسیاری این وضعیت را از بی‌لیاقتی آن‌ها و عدم شایستگی آن‌ها در اداره امور کشور می‌دانند. این خود بی‌اعتمادی به اتحادیه اروپا را نیز مطرح کرده است، به‌طور مثال، در فرانسه شرایط به صورتی است که باید مقداری پول در صندوق نجات اروپا قرار دهد تا به کشورهایی که در آستانه ورشکستگی هستند مثل یونان کمک شود. مردم از این مسئله بسیار ناراضی هستند و دوست ندارند پول مالیات‌دهندگان صرف نجات کشورهای دیگر شود. عموماً این شرایط در دوران بحران پیش می‌آید و همه به فکر خود هستند و در این شرایط کمک به کشورهای دیگر چندان معنی پیدا نمی‌کند و برای مردم حالت آزاردهنده دارد. (سیف‌الدینی، ۱۳۹۱: www.irdiplomacy.ir)

۵. پیامدهای قدرت گرفتن احزاب راست در آلمان بر وضعیت مسلمانان این کشور

از آغاز دهه ۱۹۸۰، مشخص شد که در آلمان ایدئولوژی‌های جناح راست افراطی و جهت‌گیری‌های بیگانه‌ستیزی نه تنها برای افراد مسن که عمدتاً ناسیونال سوسیالیست هستند، بلکه برای گروه مشخص از جوانان آلمان نیز از جذابیت خاص برخوردار می‌باشند. از همین زمان‌ها، گروه‌هایی از حزب جناح راست در انتخابات متعدد و مختلف جمهوری فدرال آلمان با موفقیت روبرو بوده‌اند و سازمان‌ها و افراد آن جناح راستی، دست به اقدامات تروریستی زده‌اند. این گروه با غیرخودی خواندن مسلمانان، آنان را بیگانه خطاب کرده و سعی در فشار آوردن بر آنان دارند. در دوره پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سوسیال دموکرات‌ها قدرت را در دست داشتند که با تشدید وضعیت این حزب جایگاه خود را از دست داد و حزب راست‌گرای دموکرات مسیحی اکثریت را به دست آورد که با توجه شعارهای بیگانه‌ستیز خود وضعیت ناگواری را برای مهاجرین از جمله مسلمانان ایجاد کرده‌اند.

۵-۱. محدودیت اجتماعی مسلمانان آلمان

مسلمانان در حومه شهرهای بزرگ در بلوک‌های آپارتمانی متعلق به شهرداری‌ها یا منازل شخصی زندگی می‌کنند که در وضعیت بسیار نامناسبی قرار دارند. مهاجران مسلمان در داخل شهرها و بعضاً در نواحی‌ای سکونت دارند که در آن‌ها مهاجران تجمع یافته‌اند. شرایط نامناسب مسکن مهاجران مسلمان در گزارش‌ها و نیز در مطالعات علمی انعکاس یافته است؛ از جمله در سال ۲۰۰۱ بر اساس یافته‌های مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی علمی خود اعلام کرد که

مهاجران عموماً مجبورند در خانه‌هایی با مساحت کمتر از ۷۴ مترمربع در مقایسه با خانوارهای آلمانی ۹۰ مترمربع زندگی کنند، درحالی‌که معمولاً تعداد نفرات خانوارهای آنان بیشتر است. همچنین به رغم شرایط نامناسب مسکن مهاجران، آنان به‌طور متوسط اجاره‌بهای بیشتری، ۴۲۲ یورو، در مقایسه با آلمانی‌ها، ۴۰۷ یورو، پرداخت می‌کنند. این امر ناشی از تبعیضات و جو سازی‌های منفی است که عموماً از طرف گروه‌های راست‌گرا علیه مهاجران صورت می‌گیرد. در همین زمینه مرکز مطالعات ترکیه دریافت کرده است که ۱۵ درصد از اعمال تبعیض‌آمیزی که علیه افراد مسلمان ترک‌تبار در آلمان صورت می‌گیرد به بخش مسکن مربوط می‌شود. موارد بسیاری گزارش شده که صاحب‌خانه‌ها تنها به افراد آلمانی‌زبان خانه‌هایشان را اجاره می‌دهند. (ایزدی، ۱۳۸۹: ۷۸) از طرفی تعدادی از سیاست‌مداران جناح راست خواستار برگزاری دوره‌های زبان لازم و آزمون‌های وفاداری جهت کسانی که از اسلام تبعیت می‌کنند شدند که این موضوع با حمایت مردم آلمان مواجه شده است. (Pavan, 2009: 21)

گزارش‌ها در مورد رفتار ناهنجار پلیس با مسلمانان شامل مواردی چون حمله، توهین لفظی، بازداشت غیرقانونی و دیگر رفتارهای خشن و تحقیرآمیز می‌شود و اسناد زیادی در این خصوص در آلمان موجود است. بیشتر قربانیان ترک‌ها و کردها به‌خصوص پناهجویان هستند. قربانیان غرامتی بابت این رفتارها دریافت نمی‌کنند و رفتار ناهنجار پلیس توسط مقامات آلمان نادیده گرفته شده است. در اغلب موارد، قربانیان از بیم انتقام‌گیری و تداوم حملات، سکوت اختیار می‌کنند. قتل مروه شربینی، بانوی مسلمان مصری، در سال ۲۰۰۹ در شهر درسدن آلمان و در داخل دادگاه این شهر توسط یک فرد دارای گرایش‌های نژادپرستانه و ضداسلامی، نمونه بارزی از وضعیت دشوار مسلمانان به‌ویژه در شهرهای شرقی آلمان بود. نکته جالب اینکه افسر پلیسی که برای مداخله وارد اتاق دادگاه شد بلافاصله همسر خانم شربینی را مورد اصابت گلوله قرار داد و ثابت کرد که در اذهان غربی‌ها، مفروض است که در چنین رفتارهایی یک مسلمان متهم است. (شیر غلامی، ۱۰۰۶: ۱۳۹۰)

۵-۲. محدودیت اقتصادی - مسلمانان آلمان

مسلمانان مقیم آلمان در زمینه اشتغال با تبعیض‌های فراوانی روبه‌رو هستند. نرخ بیکاری در میان مهاجران مسلمان بسیار بالاست و بر اساس آمار منتشرشده در سال ۲۰۰۴، ترک‌های مسلمان مقیم آلمان با نرخ بیکاری ۲۳ درصد مواجه هستند. جوانان بیشتر در معرض بیکاری قرار دارند. در برخی ایالات آلمان، نرخ بیکاری در میان جوانان مسلمان به ۳۰ درصد نیز می‌رسد. آنان معمولاً به دستگاه‌های دولتی راه پیدا نمی‌کنند، دختران هم به لحاظ کاریابی در وضعیتی بدتر از پسران قرار دارند، اغلب به کارهایی نظیر آرایشگری، دستیار دندان‌پزشک و منشی پزشک اشتغال پیدا می‌کنند، درحالی‌که پسران در معادن و صنایع نساجی فعالیت می‌کنند.

(ایزدی، ۱۳۸۹: ۷۱) طبیعی است که این‌گونه مشاغل نمی‌توانند به هیچ‌وجه با آرزوهای این جوانان تناسب و همخوانی داشته باشند. بدین ترتیب، اکثر مهاجران یا بیکارند یا به صورت کارگران غیرماهر و نیمه ماهر فعالیت می‌کنند که دستمزد ناچیزی را نصیب آن‌ها می‌سازد. همچنین نرخ بالای بیکاری در خود آلمان سبب شده است که تا خود آلمانی‌ها به کارهایی روی بیاورند که سابقاً به انجام آن‌ها دست نمی‌زدند و همین مسئله بازار کار را برای مهاجران مسلمان محدودتر کرده است. از سوی دیگر، موانعی در اشتغال مسلمانان وجود دارد که خاص خود آن‌هاست، از جمله اینکه آموزگاران مجاز به داشتن پوشش اسلامی نیستند و نیز اعضای آن دسته از سازمان‌های اسلامی که توسط اداره اطلاعات داخلی آلمان برچسب اسلام‌گرا خورده‌اند، در برخی حوزه‌ها امکان اشتغال به کار ندارند. (ایزدی، ۱۳۸۹: ۷۲) بر اساس تحقیقات به‌عمل‌آمده، تبعیض در بازار کار در آلمان بر اساس ملیت و قومیت امری بسیار رایج است و جوسازی‌هایی که از سوی راست‌گرایان علیه مسلمانان صورت می‌گیرد بر شدت آن می‌افزاید و معمولاً تفاوت‌های آشکاری میان افراد بومی و مهاجران به لحاظ درآمد و اشتغال وجود دارد. (Muhe, 2007: 31) پس از تصویب قانونی در برخی از ایالت‌های این کشور که به هر نوع استفاده از حجاب در بخش‌های عمومی را ممنوع می‌کرد، در برابر بسیاری از زنان مسلمان برای به دست آوردن شغل مورد نظر خود تبعیض قائل می‌شوند. (صباغیان، ۱۳۹۲: ۱۱۲)

۳-۵. محدودیت‌های سیاسی مسلمانان آلمان

حضور مسلمانان در کل اتحادیه اروپایی هنوز ناچیز است بر اساس گزارش مرکز فدرال آموزش‌های سیاسی در آلمان، دو نماینده مسلمان در پارلمان آلمان وجود دارد. (شیرغلامی، ۱۳۸۵: ۴۳۵) آلمان در شرایطی ادعای دموکراسی را سر داده و حتی خواستار الگوبرداری سایر کشورها از قوانین خود شده است که حقایق افشاشده از چالش‌های اساسی به‌ویژه نقض حقوق اقلیت‌ها در قوانین انتخاباتی این کشور حکایت دارد. در این چهارچوب ناظران سازمان امنیت و همکاری اروپا که در سال ۲۰۰۹ برای اولین بار جهت نظارت بر انتخابات پارلمانی آلمان به این کشور آمده بودند از قوانین موجود در خصوص پذیرش احزاب جدید انتقاد کردند. ایجاد محدودیت برای اقلیت‌های دینی و نژادی برای حضور در انتخابات نیز از دیگر مسائل مطرح در انتخابات آلمان است. نقض حقوق شهروندان از سوی دولت آلمان صرفاً معطوف به مسئله انتخابات نمی‌شود، بلکه در زمینه سایر حقوق شهروندی نیز است.

با این حال طبق قانون اساسی آلمان درحالی‌که دین و سیاست در آلمان از یکدیگر جدا هستند، رابطه‌ای خاص میان دولت و اجتماعات دینی است که دارای منزلت شرکت‌های شناسایی‌شده از سوی دولت هستند. این اجتماعات از امتیازاتی، مانند حق جمع‌آوری مالیات از اعضای

خود، برخوردارند. اجتماع مسلمانان به سبب ناتوانی در دستیابی به معیارهای لازم، مانند دوام اندازه و تعداد، تاکنون نتوانسته است به این منزلت دست یابد، اما اجتماعات مسلمان می‌توانند به عنوان سازمان‌های غیرانتفاعی، که از معافیت مالیاتی برخوردارند، ثبت‌نام کنند. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۷-۱۴۸) بحث‌های اسلام‌هراسی زمانی در آلمان اوج گرفت که در سال ۲۰۱۰ تیلو سارازین، سیاست‌مدار و عضو سابق هیئت‌مدیره بانک فدرال آلمان، کتاب «آلمان، خود را محو می‌نماید» را منتشر کرد که در آن مطرح کرد به دلیل آنکه مهاجران مسلمان از نظر ژنتیک از هوش کمتری برخوردار بوده و بازدهی و کارایی کمتری دارند آلمان را به سمت تبدیل به ملت کودن‌ها رهنمون می‌سازند. سپس در ماه اکتبر همان سال مرکل، صدراعظم، آلمان اعلام نمود که سیاست تکثر فرهنگی شکست خورده است.

۴-۵. محدودیت آموزشی مسلمانان آلمان

قانون اساسی آلمان حق دریافت آموزش‌های دینی تفکیک‌شده را در مدارس دولتی به رسمیت می‌شناسد. اجتماعات دینی به همراه مقاماتی که نقش نظارتی را ایفا می‌کنند باید این آموزش‌ها را تدارک ببینند. اصل بر این است که اگر تعداد دانش‌آموزانی که علاقه‌مند به شرکت در این کلاس‌ها هستند کافی باشد، آن اجتماع دینی می‌تواند خواستار ارائه این آموزش شود. برخی از دولت‌های فدرال درباره کلاس‌های اسلامی با دولت ترکیه برای سازمان‌دهی کلاس‌هایی به زبان مادری ترکی همکاری می‌کنند. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۱۴۸) در حوزه آموزش، افت تحصیلی چشمگیری در میان فرزندان مهاجران مسلمان مشاهده می‌شود که عمدتاً به عدم تسلط به زبان آلمانی و جایگاه پایین اقتصادی-اجتماعی والدین آن‌ها نسبت داده می‌شود. تعداد دانش‌آموزان ترک که بدون کسب مدرک دبیرستان را ترک می‌کنند دو برابر دانش‌آموزان آلمانی است و تعداد بسیار اندکی از دانش‌آموزان ترک وارد دانشگاه‌ها می‌شوند. (ایزدی، ۱۳۸۹: ۷۴) با توجه به این آمار به یک حجم نسبتاً زیاد و تقریبی ۲۵ درصد از به اصطلاح «افراد غیرقابل استخدام» بر می‌خوریم که به‌ندرت از شانس پیدا کردن یک شغل برخوردار می‌باشند. اعضای بخش در حال رشد این جمعیت نه تنها نوعی ناامنی در آینده خود احساس می‌کنند، بلکه از ضرر و زیان‌های مالی و اقتصادی ناشی از این وضعیت نیز رنج می‌برند.

۵-۵. محدودیت‌های رسانه‌ای مسلمانان آلمان

اسلام‌هراسی و مسلمان‌ستیزی به گونه مشخص در رسانه‌های افراطی آلمان به‌گونه‌ای است که سیاستمداران و رهبران احزاب به ویژه حزب حاکم آنجلا مرکل از آن در تبلیغات انتخاباتی

خود بهره‌برداری می‌کنند. قتل تئو ونگوگ^۱ در نوامبر ۲۰۰۴ در هلند، باعث برانگیخته شدن بحث‌های جدیدی درباره ادغام مهاجران در آلمان شد. این بحث‌ها که رسانه‌ها و سیاستمداران در آن شرکت داشتند، عمدتاً بر شکست ایده جامعه چندفرهنگی و خطر جوامع موازی مسلمان تمرکز داشت. حزب مخالف دموکرات مسیحی بار دیگر مفهوم فرهنگ اکثریت آلمانی را به عنوان فرهنگ راهبر معرفی کرد، فرهنگی که مهاجران باید خود را با آن منطبق سازند. آنجلا مرکل، رهبر حزب، در یک سخنرانی جنجالی در کنفرانس سالانه حزب در اوایل نوامبر ۲۰۰۴ ضمن توصیف فرهنگ آلمانی به عنوان فرهنگی که در آن تعطیلات مسیحی، و نه تعطیلات مسلمانان، را جشن می‌گیرند، خواستار کمک برای دستیابی به این هدف شد. سخنان رهبر حزب دموکرات مسیحی که نشان‌دهنده آن که همانندسازی مردمان دارای خاستگاه خارجی ضرورت دارد، به علت تهییج احساسات و ایجاد ترس و ناامیدی در میان مسلمانان، مورد انتقاد دیگر احزاب سیاسی و سازمان‌های غیردولتی قرار گرفت. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۱۴۸) تصویری که رسانه‌های آلمانی از مسلمانان ارائه می‌دهند اغلب منفی است و آنان را تهدیدی برای جامعه به شمار می‌آورند و رسانه‌های آلمان اسلام را با مفاهیم منفی مانند «سرکوب زنان»، «ترور» و با صفاتی نظیر «متعصب» و «رادیکال» آمیخته است.

۵-۶. محدودیت‌های مذهبی مسلمانان آلمان

در آلمان تا قبل از سال ۲۰۰۱، مقامات امنیتی مجاز نبودند که آن چه را داخل مساجد می‌گذرد تحت کنترل قرار دهند، اما قوانین جدید ضدتروریستی برخی مفرها را باز گذاشته و مصونیت گروه‌های مذهبی از بازپرسی و نظارت را لغو کرده است. جوامع مختلف مسلمان در اروپا، رهبری واحدی ندارند که از جانب آنان سخن بگویند. مسلمانان اروپا بیشتر بر مسائل محلی خود تمرکز داشته و از فعالیت در گستره ملی یا اروپایی غافل بوده‌اند. عامل مهم در عدم موفقیت شهروندان مسلمان در اروپا از جمله آلمان، موقعیت ضعیف اجتماعی و اقتصادی اکثریت مسلمانان در منطقه است. (قربان پور، ۱۳۹۳: ۱۱۴)

در سال‌های اخیر همچنین چندین مورد به آتش کشیده شدن مساجد، حمله به مسلمانان و مراکز تجاری آنان از سوی راست‌گرایان افراطی در آلمان رخ داده است و این اقدامات اسلام‌ستیزانه در حالی ادامه دارد که رهبران جامعه مسلمانان به دفعات خواستار حفاظت فیزیکی از این اماکن شده‌اند. آنان اغلب باید عقاید و دستورات مذهب خود را مخفیانه برگزار می‌کردند تا مورد قبول اجتماع باشند. پس از ساختن مسجد «مانهایم» که با مناره‌های بلند به چشم

¹. Theodor vanGogh

می‌خورد، متوجه شدند که مساجد مخفی مورد سرشکستگی و کنار زدن آنها نیست و با توجه به آمار آنها در آلمان، باید از امکانات بیشتری برخوردار باشند. البته در ساختن مسجد «مانهایم»، بلندی مناره‌ها با مشکلات زیادی مواجه شد. ترس از خالی شدن کلیساها و بی‌تفاوتی مردم نسبت به دین مسیح، شاید یکی از علل مهم این موضوع بود.

۶. پیامدهای قدرت گرفتن احزاب راست در فرانسه بر وضعیت مسلمانان این کشور

طی سال‌های گذشته راست‌گرایان فرانسه توانسته‌اند روز به‌روز بر سهم خود از قدرت در این کشور بیفزایند و می‌بینیم که در انتخابات پارلمانی فرانسوی‌ها برای پنج سال یعنی از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۴ تعداد ۷۲ نماینده را راهی خانه ملل اروپایی کردند تا قوه تقنینی فراملی خود را شکل دهند. در حال حاضر جبهه ملی مهم‌ترین حزب راست‌گرا و ضد اسلامی در فرانسه است. جبهه ملی فرانسه همواره از وجود احساسات ضد مهاجران در این کشور برای افزایش آرای خود در انتخابات استفاده کرده است.

جبهه ملی فرانسه هشدار داده است که مسلمانان این کشور به اجتماعی بزرگ‌تر از مؤمنان وفادارند که تهدیدی علیه حاکمیت ملی فرانسه محسوب می‌شوند. شهرت احزاب راست در فرانسه و افزایش گرایش مردم به آنها باعث شد مواضع سخت‌گیرانه‌تری در خصوص مهاجرت اتخاذ شود. (صباغیان، ۱۳۹۲: ۱۱۴)

۶-۱. محدودیت‌های اجتماعی مسلمانان فرانسه

از جمله مسائل مهم در این باره وضعیت مسکن مهاجران مسلمان است که وضعیت مناسبی نیست. آنان در حومه شهرهای بزرگ در بلوک‌های آپارتمانی متعلق به شهرداری‌ها و یا منازل شخصی زندگی می‌کنند که در وضعیت بسیار نامناسبی قرار دارند. (ایزدی، ۱۳۸۹: ۵۱) سیاست دولت فرانسه همواره این بوده است که این مسلمانان را از مراکز شهری دور نگه دارد؛ از این رو، اطلاق شهروندان درجه دو به اقلیت‌های قومی در فرانسه دور از واقعیت نیست. رفتار توهین‌آمیز پلیس با مهاجران هنگام بازرسی مکرر مدارک شناسایی آنها که گرایش‌های نژادپرستانه را القا می‌کند. در کنار فقر و محرومیت زمینه را برای خشونت و شورش در این مناطق حاشیه‌ای فراهم کرده است که بارزترین آن در پاییز سال ۲۰۰۵ رخ داد و تقریباً کلیه مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ را در بر گرفت. در واقع، فشارهای اجتماعی فراوانی که بر این اقلیت‌ها وارد می‌آید نشان از عزم و اراده پنهان برای خفه کردن هویت، فرهنگ و مذهب آنها دارد. (Tebakh, 2007: 30)

در فرانسه، گزارش‌ها در مورد استفاده از خشونت نامتعارف توسط افسران پلیس علیه اقلیت‌های مسلمان فراوان است. علاوه بر ضرب و شتم و شکنجه، دستگیری دسته‌جمعی مهاجران مسلمان و دیگر اشکال بدرفتاری و حتی تیراندازی و قتل بازداشت‌شدگان مشاهده شده است. (شیرغلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۰۶) در یکی از موارد، رشید ارجونی یک مهاجر هفده‌ساله الجزایری درحالی‌که روی زمین خوابیده بود از پشت سر هدف گلوله پلیس قرار گرفت. حکم افسری که مسئول این اقدام بود توسط دادگاه تجدیدنظر کاهش یافت و این دادگاه مبلغ غرامت به خانواده قربانی را نیز کاهش داد.

۲-۶. محدودیت‌های اقتصادی مسلمانان فرانسه

درحالی‌که نرخ بیکاری در فرانسه رقمی در حدود ۸/۹ درصد را تشکیل می‌دهد، این رقم در میان مهاجران مسلمان به ۲۳ درصد بالغ می‌شود. حتی یافتن کار و نیز دستیابی به شغل مناسب برای مهاجران مسلمان تحصیل‌کرده بسیار دشوار است. آلن فریکی^۱ و ژان لوک پریمون^۲ در تحقیقی که انجام داده‌اند خاطرنشان ساخته‌اند که جوانان مسلمان افریقایی‌تبار که دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی هستند هنگام ورود به بازار کار با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شوند. (ایزدی، ۱۳۸۹: ۵۱) مثلاً حتی افراد تحصیل‌کرده و دارای مدرک دانشگاهی نیز به خاطر نام و یا مذهبشان موفق به یافتن کار نمی‌شوند. (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۶) در این میان وضعیت زنان مسلمان به خاطر پوشش آن‌ها وخیم‌تر است.

۳-۶. محدودیت‌های سیاسی مسلمانان فرانسه

در تمام شهرهای اروپا مسلمانان در اقلیت هستند و در هیچ شهری مسلمانان دارای اکثریت نیستند؛ بنابراین، با وجود میلیون‌ها مسلمان در اروپا، آنان دارای نماینده‌ای در پارلمان‌های اروپایی، به عنوان نماینده مسلمانان، نیستند. یعنی اگر مسلمانی در این کشورها وارد مجلس شده است نه به عنوان منتخب مسلمانان، بلکه به عنوان عضوی از احزاب غیراسلامی این کشورها مطرح است. درواقع مسلمانان به لحاظ سیاسی به‌شدت فاقد موقعیت هستند؛ به‌عنوان مثال در پارلمان فرانسه از میان ۵۵۵ نماینده، حتی یک نماینده مسلمان وجود ندارد. (قربان‌پور، ۱۳۹۳: ۱۲۲)

بر اساس گزارش سازمان فرانسوی ضداسلام‌هراسی در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ در انتخابات بخشی و منطقه‌ای سال ۲۰۰۴ از رأی دادن زنانی که روسری به سر داشته‌اند جلوگیری شده

1. AllenFrick
2. Jean-LucPrem van

است. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۹) این در حالی است که قانون مصوب سال ۱۹۰۵، لائیسیتته یا جدایی دولت و کلیسا را اصلی اساسی در روابط میان دولت و گروه‌های دینی در فرانسه در نظر می‌گیرد. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۱۱) با وجود اینکه اقلیت‌های دینی، همچون مسلمانان، و اقلیت‌های قومی و نژادی همچون عرب تبارها و سیاه‌پوستان به رسمیت شناخته نمی‌شوند از کرسی پارلمان و دیگر نهادهای تصمیم‌گیری محروم هستند و هدف خشونت‌های نژادپرستانه و افراطی قرار می‌گیرند، و حتی علناً توسط مقامات عالی‌رتبه دولتی این کشور از طریق رسانه‌های عمومی تحقیر می‌شوند. این گروه‌های بزرگ اجتماعی تا حدی به حاشیه رانده شده‌اند که هیچ حزب و گروه و جناح سیاسی در فرانسه آن‌ها را نمایندگی نمی‌کند و از حمایت هیچ نیروی سیاسی و روشنفکری بزرگی حتی چپ‌گرایان فرانسوی نیز برخوردار نیستند.

۶-۴. محدودیت‌های آموزشی مسلمانان فرانسه

تلاش‌های اجتماعات مسلمان برای تأسیس مدارس جدید اغلب با اعتراضات اجتماعات محلی و احزاب راست‌گرا روبه‌رو و گزارش شده است که مقامات محلی گاه این طرح‌های ساخت‌وساز را بر مبنایی خودسرانه نادیده گرفته یا رد کرده‌اند سازمان‌های مسیحیان، یهودیان و مسلمانان از جمله سازمان‌هایی بودند که به مخالفت با ممنوعیت پیشنهادی نمادهای دینی «انگشت‌نما» در مدارس دولتی برخاستند. شورای دین اسلام فرانسه معتقد بود که ممنوعیت پیشنهادی مسلمانان را به‌گونه‌ای تبعیض‌آمیز هدف قرار می‌دهد و نتیجه گرفت که این ممنوعیت حق مسلمانان را برای عمل آزادانه به دین خود بر اساس اصل لائیسیتته چنان که تاکنون فهمیده شده است، به تحلیل می‌برد، اما رئیس‌جمهور تصمیم گرفت از این پیشنهاد حمایت کند و در اوایل سال ۲۰۰۴ پارلمان فرانسه قانون منع پوشش نمادهای دینی «انگشت‌نما» در مدارس دولتی را تصویب کرد. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۱۲۳-۱۲۴) و بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان هنگام ورود به مراکز تحصیلی خود با ممانعت مواجه شدند.

۶-۵. محدودیت‌های رسانه‌ای مسلمانان فرانسه

در فرانسه افکار عمومی و رسانه‌ها همواره اسلام را مجموعه‌ای کاملاً واحد از جوامع و نیروهایی می‌بینند که متفاوت و حتی متخاصم یا تمامیت غرب مسیحی یا سکولار و حتی لیبرال و دمکراتیک است. این تمامیت بینی در اثر برخی اظهار نظرات بعضی مسلمانان طرفدار رویارویی که بر وحدت و یکپارچگی «امت» اسلام در معنای سیاسی و مذهبی آن تأکید دارند، تقویت شده است. چهره مسلمانان و اسلام در رسانه‌های فرانسه اغلب بنا بر بافت بین‌المللی

متغیر بوده است. مسلمانان فرانسه توان بازنمایی جامعه خود را در رسانه‌ها به شکل مطلوب ندارند. رویدادهای بین‌المللی و نیز بحران‌های اجتماعی به‌ویژه هنگامی که مسلمانان در آن‌ها نقش داشته باشند، به دلیل تأثیرات رسانه‌ای‌شان در نحوه رفتار و برخورد با مسلمانان نقش تعیین‌کننده دارند. (متقی، ۱۳۸۴: ۸)

در برخی موارد دولت‌مردان فرانسوی، با تبلیغات گسترده، مسلمانان این کشور را مورد تحقیر و توهین قرار داده و شدیدترین محدودیت‌ها را برای آنان اعمال نموده و با تبلیغ خطر اسلام‌گرایی توسط رسانه‌های فرانسوی، ممنوع کردن نشریات اسلامی، ممنوعیت احکام اسلامی خصوصاً حجاب، معادل قرار دادن اسلام با افراطی‌گری، گسترش حملات نژادپرستانه علیه مسلمانان و غیره دست به یک تبعیض مذهبی وسیع علیه مسلمانان زده‌اند.

۶-۶. محدودیت‌های مذهبی مسلمانان فرانسه

فرانسه توجه کمتری نسبت به تأمین خواسته‌های مذهبی مسلمانان دارد. دولت فرانسه بیش از هر چیز با مفهوم لائسیسته شناخته می‌شود اجازه بروز علایق مذهبی را در مدارس عمومی نمی‌دهد و در موارد زیادی از ساخت مساجد توسط مسلمانان ممانعت کرده است. (شیر غلامی، ۱۳۸۸: ۴۰۶) دولت فرانسه در سال ۲۰۰۳ شورایی را به نام شورای فرانسوی دین اسلام تشکیل داد که در قالب آن بتواند فعالیت‌های مذهبی مسلمانان را در چهارچوبی واحد زیر نظر داشته باشد. (صباغیان، ۱۳۹۲: ۱۳۵)

در سال ۲۰۰۵، برخی از مقررات رسمی به تعریف و مشخص نمودن محدودیت‌های بیان هویت دینی (مذهبی) در محل کار، به‌خصوص در خدمات عمومی پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، دستورالعمل اجرایی بخش‌های بهداشت عمومی، با توجه به سکولاریسم، تأکید دارد که کارکنان در بخش بهداشت نبایستی از علائم و نمادهای مذهبی استفاده نمایند. (eumc, 2006:48) در فرانسه ۷۰ درصد حمله‌های صورت گرفته علیه افراد مسلمان که از طرف سازمان‌های مسلمان ثبت شده، دربردارنده حمله به زنان مسلمانی است که روسری به سر داشته‌اند. سخت‌گیری علیه مسلمانان در سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در فرانسه افزایش یافته است. تعداد زیادی از حمله‌هایی که علیه مسلمانان مشاهده شده، از آزار و اذیت لفظی تا حمله فیزیکی و خرابکاری را در بر می‌گیرد. (صباغیان، ۱۳۹۲: ۹-۱۰۸)

ژان ماری لوپن، رهبر حزب جبهه ملی، نیز به‌کرات درباره خطر اسلامی شدن کشور سخن رانده است. او اعتقاد دارد که فرانسه و هویت آن به خاطر حضور جمعیت مسلمان در کشور که ارزش‌های مذهبی‌شان در تناقض کامل با جامعه و فرهنگ فرانسه است، در معرض خطر قرار دارد و دولت فرانسه و مقامات سیاسی این کشور از این خطر آگاه نیستند و اجازه داده‌اند تا بنیادگرایی اسلامی در فرانسه به نیرویی قدرتمند تبدیل شود (ایزدی، ۱۳۸۹: ۶۰) و به عنوان

نخستین کشور اروپایی پوشش اسلامی را در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی این کشور ممنوع اعلام کردند، حال آن که بر اساس قوانین لائیک سکولار جامعه فرانسه، حق پوشش به رسمیت شناخته شده است و هیچ کس را نمی‌توان از این حق قانونی محروم کرد. این اقدام غیرانسانی فرانسه که بیشتر با تحریک احزاب راست صورت گرفت و اکنش شدید مسلمانان و حتی افراد غیرمسلمان را در این جامعه به همراه داشت.

۷. پیامدهای قدرت گرفتن احزاب راست در هلند بر وضعیت مسلمانان این کشور

در هلند احزاب با گرایش راستی پس از ۱۱ سپتامبر و مشخصاً پس از قتل تئو ونگوگ روزبه‌روز با تبلیغات گسترده توانستند بر قدرت خود در این کشور بیفزایند، به طوری که می‌بینیم در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۲، حزب راست‌لیبرال به رهبری مارک روته، نخست‌وزیر دولت موقت هلند، با کسب ۴۱ کرسی مقام اول را در رقابت با دیگر احزاب این کشور کسب کرد و حزب راست‌گرای آزادی که به‌شدت با مهاجران خارجی و مسلمان و همچنین ادامه عضویت هلند در اتحادیه اروپا مخالف است، توانست با کسب پانزده صندلی به رده سوم این انتخابات صعود کند. این حزب طی سال‌های گذشته توانسته است با تبلیغات خود علیه مسلمانان و مهاجرین رأی‌های زیادی را به خود جلب کند.

۷-۱. محدودیت‌های اجتماعی مسلمانان هلند

احترام به تمامی ادیان و افکار یکی از سرلوحه‌های قانون مدنی این کشور به شمار می‌آید، اما متأسفانه تعداد هلندیان بیزار از خارجیان و مسلمین در سال‌های اخیر بسیار زیاد شده است بدین گونه که بسیاری از مسلمین قصد مهاجرت دوباره دارند. (EUMC, 2006: 14) پلیس ملی هلند در دوره زمانی ۲۳ نوامبر ۲۰۰۳ تا ۱۳ مارس ۲۰۰۴، موارد متعددی از اقدامات خشونت‌آمیز علیه اموال مسلمانان را ثبت نمود. (EUMC, 2006: 14) نتایج یک بررسی، نشان می‌دهد که در هلند، ۱۲/۲ درصد از پاسخ‌دهندگان تمایلی به داشتن همسایه مسلمان ندارند و در مقایسه با آن، تنها ۵/۲۷ درصد نمی‌خواهند که همسایه‌هایشان از افراد مهاجر باشند. همچنین، این موضوع نشان می‌دهد که مسلمانان ضعیف‌ترین اقلیت‌ها هستند. (Murshed, 2009: 29) در سال‌های اخیر تنفر از مسلمین در بسیاری از شهرهای هلند مشاهده شده است. البته پلیس در صورت هر گونه آزار به مسلمین دخالت می‌کند، زیرا جامعه هلند از هرگونه افکار راسیستی متنفر و منزجر است، ولی با این حال به خاطر افزایش محبوبیت راست‌گرایان در این کشور مسلمانان محدودیت‌های بیشتری را نسبت به گذشته متحمل می‌شوند.

۲-۷. محدودیت‌های اقتصادی مسلمانان هلند

مسلمانان در هلند از ابعاد مختلف نابرابری، رنج می‌برند. تا آنجا که به موضوع دسترسی به بازار کار مربوط می‌شود، اعلام شده که بیش از ۵۰ درصد ترک‌تبارها و ۶۰ درصد مراکشی‌ها در مقایسه با کمتر از ۳۰ درصد از هلندی‌ها بومی، دارای مشاغل غیرحرفه‌ای می‌باشند. (Murshed, 2009: 28) در هلند، یک گزارش مشورتی از سوی کمیسیون برابری رفتار قوانینی وضع نمود که به کارفرمایان این اختیار داده شده بود تا با توجه به مذهب و دین کارمندان خود به تعیین مقررات خاص بپردازند. این موضوع که کارفرمایان نیز ممکن است بر اساس مذهب و نمادهای مذهبی به انتخاب و یا عدم انتخاب کارکنان اقدام نمایند، به نوعی تنش میان کارکنان تبدیل شده بود. (EUMC, 2006: 49) متأسفانه در این میان راست‌گرایان با تبلیغات منفی علیه مسلمانان روزه‌روز بر این وضعیت شدت بیشتری داده و محدودیت‌های بیشتری را برای آنان ایجاد می‌کنند. با توجه به تحصیلات، ۴۰ درصد از ترک‌تبارها و ۴۵ درصد از مراکشی‌ها فاقد تحصیلات بالاتر از سطح ابتدایی می‌باشند. به‌طور کلی بر اساس سیاه‌نمایی‌هایی که علیه مسلمانان از طرف احزاب راست‌گرا صورت می‌گیرد و آنان را افرادی خارج از هویت ملی خود تعریف می‌کند، مسلمانان را در دسترسی به مشاغل خوب در مقایسه با هلندی‌های غیرمسلمانان در تبعیض قرار می‌دهد و نسبت به آنان شانس کمتری برای استخدام دارند.

۳-۷. محدودیت‌های سیاسی مسلمانان هلند

با توجه به نظام دموکراتیک هلند مسلمانان هلند که اصالتاً هلندی، ترکیه‌ای یا عربی هستند به پارلمان و شوراهای شهر و اداره استان‌ها راه یافته‌اند. با این حال به تازگی حکومت هلند پیشنهاد داده است کسانی که درخواست اقامت می‌کنند باید قبل از ورود به هلند امتحان ادغام را قبول شوند. وزیر ادغام نیز پیشنهاد داده است، کسانی که در حال حاضر مقیم هلند هستند ولی کمتر از هشت سال در این کشور به مدرسه رفته‌اند - شامل افراد دارای تابعیت - باید در امتحان ادغام شرکت کنند. آخرین پیشنهاد به ویژه، در پارلمان با مخالفت شدید روبه‌رو شد. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۱۹۲)

حکومت همچنین بعد از قتل ونگوگ چند اقدام امنیتی را پیشنهاد کرد که به مقامات اجرای قانون قدرت داده شود. مظنونین تروریسم را صرفاً بر اساس نشانه شرکت داشتن آن‌ها در اقدامات تروریستی دستگیر کنند، و این در حالی است که پیش از این، دستگیری بر اساس شکی معقول صورت می‌گرفت، و متهم را قبل از محاکمه از ۹۰ روز تا دو سال در بازداشت نگه می‌داشتند. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۱۹۴) قتل ونگوگ در نوامبر ۲۰۰۴ و اخبار رسانه‌های هلند که بیشتر با محکوم کردن مسلمانان همراه بود، باعث بروز نگرانی درباره وخیم شدن فضای

پیش روی مسلمانان و دیگر مهاجران شد. نخست‌وزیر در واکنش به موج حملات خشونت‌باری که یک هفته پس از قتل از سراسر کشور گزارش شد، خواستار تساهل و وحدتی بین‌الادیانی شد، اما دیگر نمایندگان احزاب بیانیه‌هایی با ماهیت‌های متفاوت صادر کردند، از جمله پیشنهاد این مطلب بود که قتل ونگوگ اعلام «جنگ مقدس» در نظر گرفته شود. پس از قتل ونگوگ، نظرسنجی‌ها نشان دادند که گیت وایلدرز، سیاستمدار پوپولیست و عضو سابق حزب لیبرال محبوبیتی ناگهانی پیدا کرده است. وایلدرز نیز همانند فورتوین مدعی شده است که اسلام عقب مانده و ناسازگار با دموکراسی است. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۱۹۲) این اقدامات باعث بروز این نگرانی شد که مردمی که مظلومان تروریستی هستند ممکن است خودسرانه بازداشت شوند و ممکن است از حق خود برای محاکمه شدن بلافاصله بعد از دستگیری محروم شوند.

۷-۴. محدودیت‌های آموزشی مسلمانان هلند

طبق قوانین هلند مدارس می‌توانند با ارائه توجیه عینی به ممنوع نمودن نمادهای مذهبی بپردازند. به عنوان یک قاعده، استفاده از چادری که صورت را بپوشاند، در مدارس ممنوع هست. درحالی‌که مدارس فقط هنگامی می‌توانند نسبت به منع استفاده از روسری اقدام نمایند که با اصول مذهبی مدرسه مغایرت و یا جنبه تبلیغی داشته باشد. (EUMC, 2006: 42) نرخ ترک تحصیل در میان نسل دوم و سوم مهاجرین مسلمان، در مقطع دبستان و بالاتر، به طوری سابقه افزایش داشته است. علاوه بر این، در مدارس مختلط، عملکرد کودکان مسلمان نیز به نظر پایین تر از سطح کیفی هلندی‌های بومی هست. (Driessen.2006: 201-223) از زمانی که نخستین مدرسه مسلمانان در سال ۱۹۸۸ در هلند، افتتاح شد مخالفت‌هایی را برانگیخت. این مخالفت‌ها بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر و خشونت‌هایی که پس از آن به نام اسلام صورت گرفته، افزایش یافته است. درحالی‌که اهداف اصلی مدارس مسلمانان، تقویت هویت دینی و فرهنگی دانش‌آموزان مسلمان و بهبود بخشیدن به فرصت‌های آموزشی آنان است، مخالفان ایجاد مدارس مسلمانان ابراز نگرانی کرده‌اند که نسبت به هنجارها و ارزش‌های نهفته در جامعه هلند بی‌تفاوت‌اند و بیش از آنکه به ادغام دانش‌آموزان مسلمان در جامعه هلند بپردازند بر طبل جدایی و تفرقه می‌کوبند. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۲۰۰)

۷-۵. محدودیت‌های رسانه‌ای مسلمانان هلند

قتل ونگوگ در نوامبر ۲۰۰۴ و اخبار رسانه‌های هلند که بیشتر با محکوم کردن شدید مسلمانان همراه بود، باعث بروز نگرانی درباره وخیم شدن فضای پیش روی مسلمانان و دیگر مهاجران شد. پس از قتل ونگوگ، نظرسنجی‌ها نشان دادند که گیت وایلدرز،

سیاستمدار پوپولیست و عضو سابق حزب لیبرال، محبوبیتی ناگهانی پیدا کرده است. ویلدرز نیز همانند فورتوین مدعی شده است که اسلام عقب مانده و ناسازگار با دموکراسی است. او همچنین علیه دادن اجازه به اسلام برای اینکه در هلند سلطه یابد هشدار داده و از اقدامات شدید علیه گروه‌ها و رهبرانی افراطی که به نام اسلام دست به عمل می‌زنند دفاع کرده است. او به علت دیدگاه‌های صریح خود بارها تهدید به مرگ شده و از اواخر سال ۲۰۰۴ به صورت بیست و چهار ساعته تحت مراقبت محافظانش قرار دارد. (مرشدزاده، ۱۳۸۸: ۱۹۲) رسانه‌های هلندی نیز مثل دیگر رسانه‌ها همواره مسلمانان را در کنار مفاهیمی مثل «ترور» قرار می‌دهند با این نوع پوشش خبری بر انزوا و محدودیت مسلمانان می‌افزایند.

۶-۷. محدودیت‌های مذهبی مسلمانان هلند

بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، مراکز امنیتی کشور هلند نسبت به فعالیت‌های مسلمانان حساس شده‌اند و تحقیقات غیر محسوسی را بین مسلمانان و به‌خصوص شیعیان آغاز کرده‌اند. (جزایری، ۲۴:۱۳۸۵) افراد حزب آزادی در چندین شهر هلند تقاضای منع استفاده از روسری را ارائه داده‌اند و درصددند محدودیت‌های بیشتری را برای مسلمانان ایجاد کنند. متأسفانه تعداد هلندیان بیزار از خارجیان و مسلمین در سال‌های اخیر به سبب تبلیغات گسترده احزاب دست راستی بسیار زیاد شده است، بدین گونه که بسیاری از مسلمین قصد مهاجرت دوباره دارند. رهبر حزب آزادی ویلدرز است که تمامی مشکلات دنیا را ناشی از اسلام و مسلمین می‌داند؟! حزب آزادی در هلند همواره از وجود احساسات ضد مهاجران در این کشور برای افزایش آرای خود در انتخابات استفاده کرده است. حزب آزادی ادعا می‌کند که ریشه‌های ایدئولوژیکی این حزب به ایده‌های عصر روشنگری بازمی‌گردد و همواره از این ایده‌ها و اصول در برابر مهاجران دفاع می‌کند. این حزب که تنها چند سال از زمان تأسیس آن می‌گذرد با استفاده از شعارهای ضد مهاجرتی و اسلام‌ستیزانه توانست رتبه سوم را در انتخابات سال ۲۰۱۰ به خود اختصاص دهد. از طرفی با توجه به اینکه بر اساس انعطاف‌پذیری قوانین مهاجرت در هلند تعداد مسلمانان در ده سال گذشته افزایش چشم‌گیری داشته است، متأسفانه به سبب تبلیغات سوء احزاب دست راستی و مخالف مسلمانان هر روز بر دامنه محدودیت‌های زندگی مسلمانان این کشور افزوده می‌شود، به طوری که حزب آزادی اعلام کرده است در صورت پیروزی در انتخابات آینده مسلمانان را از کشور اخراج خواهد کرد. (EUMC, 2006: 14)

۸. نتیجه گیری

بررسی‌های این مقاله نشان داد که احزاب سیاسی راست‌گرا از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا کنون از محبوبیت رو به رشدی برخوردار شده و سهم بیشتری در انتخابات پارلمانی از آن خود کرده‌اند. حملات ۱۱ سپتامبر بر نگرش اروپایی‌ها درخصوص پذیرش خواسته‌های مذهبی مسلمانان تأثیر منفی گذاشت و با چالش‌های فراوانی روبه رو شدند. به رغم اقدامات مثبت و مهم برخی کشورهای اروپایی برای به رسمیت شناختن اسلام و نیز اعطای حقوق مدنی به مسلمانان در برخی کشورها، ولی موانع و تنگناهای زیادی همچنان در پیش روی مسلمانان وجود دارد و نسبت به برخی مظاهر اسلامی مشکلاتی به وجود آورده‌اند.

پیامد قدرت گیری احزاب راست در آلمان باعث افزایش محبوبیت راست‌گرایان به‌خصوص حزب راست‌گرای دموکرات مسیحی شده است که با توجه شعارهای بیگانه‌ستیز خود وضعیت ناگواری را برای مهاجرین از جمله مسلمانان ایجاد کرده‌اند. در این میان سیاست تکثر فرهنگی که زمانی درصدد ادغام مهاجران و مسلمانان در جامعه آلمان بود خیلی زود با شکست مواجه شد.

این موضوع در فرانسه با تصویب قانون ممنوعیت نمادهای دینی «انگشت‌نما» در مدارس دولتی به اوج خود رسید و به طوری که جبهه ملی فرانسه ادغام مهاجران غیراروپایی در جوامع اروپایی را نمی‌پذیرد و معتقد است که مهاجران می‌بایستی به کشورهای خود بازگردند. شعار این حزب در زمان رهبری ژان ماری لوپن مبنی بر «یک میلیون مهاجر برابر با یک میلیون فرانسوی بیکار» نشانگر اوضاع نامناسب مسلمانان در این کشور است، به طوری که در برخی موارد دولت‌مردان فرانسوی، با تبلیغات گسترده، مسلمانان این کشور را مورد تحقیر و توهین قرار داده و شدیدترین محدودیت‌ها را برای آنان اعمال نموده‌اند.

در هلند احزاب راست‌گرا پس از قتل تئو ونگوگ روزبه‌روز با تبلیغات گسترده توانستند بر قدرت خود در این کشور بیفزایند به طوری که می‌بینیم در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۲، حزب راست لیبرال به رهبری مارکروته، نخست‌وزیر دولت موقت هلند، با کسب ۴۱ کرسی مقام اول را در رقابت با دیگر احزاب این کشور کسب کرد و حزب راست‌گرای آزادی که به‌شدت با مهاجران خارجی و مسلمان و همچنین ادامه عضویت هلند در اتحادیه اروپا مخالف است، توانست با کسب پانزده صندلی به رده سوم این انتخابات صعود کند. این حزب طی سال‌های گذشته توانسته است با تبلیغات خود علیه مسلمانان و مهاجرین رأی‌های زیادی را به خود جلب کند. مراکز امنیتی کشور هلند نسبت به فعالیت‌های مسلمانان حساس شده‌اند و تحقیقات غیرمحسوسی را بین مسلمانان و به‌خصوص شیعیان آغاز کرده‌اند.

با توجه به مطالب ذکرشده به نظر می‌رسد این روند همچنان ادامه خواهد داشت و مسلمانان بیش از پیش در این کشورها مورد تبعیض و محدودیت قرار خواهند گرفت.

منابع الف- فارسی

۱. امینیان، بهادر، (۱۳۸۷)، «اسلام‌ستیزی در غرب، دلایل و ویژگی‌ها»، فصلنامه سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره ۸۵، ۱۲۱-۱۰۵.
۲. ایزدی، پیروز، (۱۳۸۷)، «معاهده لیسبون: گامی در وحدت اروپا»، راهبرد، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۴۷، ۴۴۲-۴۲۹.
۳. ایزدی، پیروز، (۱۳۸۹)، «بررسی سیاست‌های تطبیقی ادغام مسلمانان در فرانسه و آلمان»، پژوهشنامه سیاست خارجی، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک، شماره ۲۵، ۸۶-۴۱.
۴. بشیریه، حسین، (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
۵. بشیریه، حسین، (۱۳۸۰)، «بررسی تحلیلی مفهوم شکاف اجتماعی»، پژوهشنامه علوم انسانی، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۰، ۳۹-۷۴.
۶. حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
۷. داوودی، علی‌اصغر، (۱۳۸۱)، «انقلاب اسلامی و شکاف‌های اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی، تهران: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، شماره ۲۰، ۲۲۵.
۸. دلاوری، ابوالفضل، (۱۳۷۸)، بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران، (رساله دکتری)، تهران: دانشگاه تهران.
۹. دلیریور، پرویز، (۱۳۹۰)، نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: دانشگاه پیام نور. چاپ دوم.
۱۰. رضوان‌طلب، محمدرضا، (۱۳۸۵)، «مسلمانان در کشورهای فرانسه زبان»، تهران: مجمع جهانی تقویت مذاهب اسلامی، چاپ اول.
۱۱. سردارنیا، خلیل‌الله، (۱۳۸۶)، «تبیین جامعه‌شناختی احزاب پوپولیستی راست رادیکال جدید در دموکراسی‌های تثبیت یافته اروپا از دهه ۱۹۷۰ به بعد»، پژوهشنامه علوم سیاسی، تهران: انجمن علوم سیاسی ایران، شماره ۸، ۲۱۰-۱۸۵.
۱۲. شیرغلامی، خلیل، (۱۳۸۸)، «جایگاه اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اروپا»، فصلنامه سیاست خارجی شماره ۹۰، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۳۹۵-۴۴۸.
۱۳. شیرغلامی، خلیل، (۱۳۹۰)، «اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی، ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، فصلنامه سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره ۴، ۱۰۲۲-۹۹۵.
۱۴. صباغیان، علی، (۱۳۹۲)، شکست چندفرهنگ‌گرایی و مسلمانان اروپا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
۱۵. فیاضی، عمادالدین، (۱۳۸۴)، «گسترش راست‌گرایی افراطی: نژادپرستان، لمپن‌ها و پناهنده‌ها در صحنه (آشوب‌های اجتماعی فرانسه)» تهران: روزنامه اعتماد، شماره ۹۲۱، ۸.
۱۶. قادری، حاتم، (۱۳۸۶)، سویه‌های هویت، تهران: نشر شیرازه، چاپ اول.

۱۷. قربان پور، محمد، (۱۳۹۳)، «وضعیت مسلمانان اروپا، چالش‌های فرارو و چشم‌انداز آینده»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، تهران: جامعه المصطفی العالمیه، شماره ۱۱، ۱۱۰.
۱۸. متقی، افشین و محمد آثار ترمز، (۱۳۸۴)، «عملیات روانی غرب علیه جهان اسلام و تأثیر آن بر مسلمانان مقیم اروپا»، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، تهران: موسسه همشهری، شماره ۵۸، ۸-۹.
۱۹. محمدی، علیرضا، (۱۳۸۵)، «فرانسه و نقض حقوق بشر»، نشریه شمیم یاس، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، شماره ۳۶، ۱۳۶.
۲۰. مختاری، مهدی، (۱۳۸۸)، مهاجران مسلمان و چالش‌های آینده اروپای متحد، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۲۱. مرشد زاده، علی، (۱۳۸۸)، گزارش فدراسیون حقوق بشر هلسنکی - تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات، چاپ اول.
۲۲. نیکنامی، رکسانا، (۱۳۹۳)، «چالش‌های پیشروی امنیت اجتماعی در اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر»، فصلنامه روابط خارجی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، شماره اول سال ششم، ۲۴۸-۲۲۱.
۲۳. نیلسن، جورج، (۱۳۷۲)، مسلمانان اروپای غربی، ترجمه محمد رویین تن، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۲۴. ورتووک، استیون و دیگران، ۱۳۸۰، اسلام در اروپا، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ترجمه کاووس سیدامامی، چاپ اول.
۲۵. یزدان‌پناه، محمد و دیگران، (۱۳۹۱)، «هویت اسلامی مهاجرین و امنیت فرهنگی اروپاییان»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، شماره ۴، ۱۳۸.
۲۶. سیف الدینی، سالار، بهمن ۱۳۹۱ «بازگشت راست افراطی در اروپا»:
<http://irdiplomacy.ir,1391>

ب- انگلیسی

27. Payan, S. M. (2009). Identity and Islamic Radicalization in Western. Institute of Social Studies (ISS). Netherland.
28. Nora Langenbacher, B. S. (2011). IS EUROPE ON THE "RIGHT" PATH? Berlin: Friedrich-Ebert-Stiftung.
29. Mühe, N. (2007). Muslims in the EU-Cities Report, Germany, Open Society Institute, EU Monitoring and Advocacy Program.
30. Tebbakh, S. (2007). EU Monitoring and Advocacy Program, Muslims in the EU: Cities Report, FRANCE: EU Monitoring and Advocacy Program.
31. EUMC. (2006). MUSLIMS IN THE EUROPEAN UNION. eu: eumc.
32. Murshed, S. M. (2009). Identity and Islamic. Studies at the University of Sussex: Studies at the University of Sussex). Netherland.

33. adrin, & favel. (2005). "Europes Identity Problem". West European Politics .
34. EUMC.(2006). MUSLIMS IN THE EUROPEAN UNION.eu: eumc.
35. Zielinski, jakub. (2002). "Translating social cleavages into the party system"
world politics, vol.54(January)